روزنامه شرق

رشته‌های فنی و حرفه‌ای پاشنه آشیل هدایت تحصیلی است

جای خالی بخش خصوصی در مراکز فنی و حرفه‌ای

اعظم پویان: این روزها در شرایطی که دانش‌آموزان در مدارس برای رفتن به رشته‌های نظری سرودست می‌شکنند صنایع کشور هر روز بیشتر از قبل با بحران نبود نیروی انسانی کارآمد دست‌وپنجه نرم می‌کنند. وقتی پای درددل صنعتگران می‌نشینیم، از نبود نیروی کار خلاق و مهارت‌یافته می‌نالند و از سوی دیگر هر روز بر آمار تعداد بی‌کاران فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها افزوده می‌شود. در بسیاری از کشورهای دنیا رشته‌های فنی و حرفه‌ای به پشتیبانی صنعت‌شان آمده‌اند و هرکجا که روی مهارت‌پروری نیروی انسانی‌شان سرمایه‌گذاری کرده‌اند، حرفی برای گفتن یافته‌اند؛ اما در ایران هنوز کسی نمی‌داند درد چیست که بخواهد به درمان فکر کند.

سال‌ها پیش رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با شعار دستیابی به اشتغال زودهنگام پا به عرصه آموزش‌وپرورش گذاشتند اما زمان زیادی نگذشت که آنچه در باور عموم جا افتاد این بود که این مراکز جای بچه‌تنبل‌های مدارس است و بس. اولین نهادی که این باور را در ذهن عامه مردم نهادینه کرد آموزش‌وپرورش بود. آن زمان هنوز کسی به مشکل نبود تجهیزات و نبود تنوع رشته در مراکز فنی و حرفه‌ای و کاردانش فکر نمی‌کرد. ماجرا از آنجایی شروع شد که هرکسی ریاضی ضعیفی داشت یا معدل کمی می‌گرفت، فوری با برچسب کم‌هوش‌بودن را به سمت رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش سوق می‌دادند. همه‌چیز در نطفه از دست رفت. رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش فرصتی برای رونق اقتصاد در این روزهای بی‌رونقی بود که غنیمت شمرده نشد و نتیجه این شد که این روزها شاهد ناامیدی دانش‌آموزان از کارایی رشته ریاضی و هجوم آنها به رشته تجربی هستیم.

برای شکوفایی رشته‌های فنی و حرفه‌ای جای خالی بخش خصوصی واقعی بیش از پیش خودنمایی می‌کند. بخشی که به دور از رانت‌های دولتی صنعتی دارند که چشم انتظار نیروی انسانی کارآمد است. مدتی است که یکی از اعضای جامعه بخش خصوصی که خود فرزند شاخه کاردانش است در استان فارس کمر همت بسته تا به نوعی نیروی انسانی لازم برای همکاران‌شان را پرورش دهد. «امیر پرورش»، در سال ۱۳۹۰ با سرمایه‌گذاری خود، یک مجتمع بزرگ فنی و مهارتی در استان فارس راه‌اندازی کرده است.

او که راز پرورش را در مهارت‌آموزی می‌داند در گفت‌وگو با «تخته سفید» می‌گوید: این مجموعه فنی و حرفه‌ای از سال ۸۷ تأسیس شد. مدت‌ها به صورت آزاد فعالیت می‌کرد و بعد سیستم را به سمت دانش‌آموزمحوری تقویت می‌کند. او می‌گوید از سال ۱۳۹۰ همکاری و تعامل بسیار خوبی بین اداره کل آموزش‌وپرورش استان فارس و مجتمع امیرکبیر با مدیریت بنده اتفاق افتاد. در این همکاری در قالب طرحی با عنوان برون‌سپاری مراکز هنرستانی قراردادی برای ساخت این مرکز منعقد شد و شروع به فعالیت کردیم. سالانه بین دو تا سه هزار نفر را تحت پوشش قرار می‌دهیم.

دانش‌آموزانی که هدف‌شان کنکور نیست

از افتخارات این مرکز این است که توانسته دانش‌آموزانی با معدل پایین را جذب کرده و به مرحله گرفتن دیپلم در رشته‌ای که مهارت یافته‌اند برساند. برخی از این دانش‌آموزان در المپیادها و جشنواره‌های خوارزمی درخشش داشته‌اند و برخی به دانشگاه رفته‌اند و در نهایت اکثریت دانش‌آموزان این مرکز در مجموعه‌های صنعتی کوچک و بزرگ مشغول به کار و فعالیت هستند و سالانه دوهزار نفر از این مجموعه فارغ‌التحصیل می‌شوند.

پرورش با اشاره به اینکه این مجموعه در شروع کار فقط به آموزش رشته‌های فنی می‌پردازد از تحول عظیمی که در این مرکز رخ می‌دهد، می‌گوید: مجموعه در گذشته فقط در رشته‌های فنی مانند شاخه‌های برق، الکترونیک، مخابرات، تأسیسات، مکانیک، برق خودرو، جوش، عمران و معماری کار می‌کرد اما بعد از پنج سال فعالیت مستمر در ۱۵ اسفند ۹۵ مرکزی بسیار پیشرفته و به‌روز و مدرن را افتتاح کردیم که در سه دپارتمان کلی فعالیت می‌کند؛ رشته‌های فنی، رشته‌های هنری و زبان‌های خارجی. رشته‌های هنری نیز شامل هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی و رشته‌های زبان خارجی هم شامل آموزش انگلیسی، عربی، فرانسه و آلمانی است.

امیر پرورش با افتخار می‌گوید دانش‌آموزانش برای کنکور آماده نمی‌شوند و معتقد است بچه‌های هنرستانی در هر کجای ایران که درس می‌خوانند نیازی ندارند که به دانشگاه بروند. او می‌گوید: مقام معظم رهبری در یک‌سال گذشته بیانات مختلفی داشتند و اشاره‌هایی به هنرستان‌ها داشتند. درواقع لازم نیست

خانواده‌ها به ثروتی که پزشک‌ها به دست می‌آورند فکر می‌کنند اما با سیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان پزشکی روبه‌رو هستیم که در آینده جایگاهی در بازار کار ندارند. این تفکر اشتباه است، زیرا امروز مهارت‌آموزی در کشور ایران صرفا یک انتخاب نیست، بلکه یک الزام است

یک فرد سال‌ها به دانشگاه برود و بعد تازه بعد از فارغ‌التحصیلی وارد بازار کار شود. آنچه فرد در هنرستان یاد می‌گیرد قطعا در دانشگاه نمی‌آموزد. بچه‌های ما هم وارد دانشگاه می‌شوند اما پیش از آن مهارت کارکردن را پیدا کرده‌اند. در مدارس مختلف معمولا نام و عکس دانش‌آموزان‌شان را که به دانشگاه می‌روند سردر مدرسه نصب می‌کنند اما برای ما افتخار این است که چند نفر مهارت کسب کرده‌اند و جذب بازار کار شده‌اند.

پرورش از نحوه جذب دانش‌آموزانش در شرکت‌ها و مؤسسه‌های مختلف می‌گوید: شرکت‌های مختلفی در بخش کوچک و بزرگ صنایع مختلف وجود دارند. این صنایع به ما درخواست می‌دهند و می‌گویند برای فلان بخش نیازمند تکنیسین هستند و ما نیرو را معرفی می‌کنیم و خودشان مصاحبه می‌گیرند و دانش‌آموز را جذب می‌کنند.

بی‌عدالتی در توزیع ثروت میان رشته‌های مختلف

پرورش علت استقبال‌نکردن از رشته‌های فنی در خانواده‌ها و دانش‌آموزان را در توزیع ثروت میان رشته‌های مختلف می‌داند. او می‌گوید: خانواده‌ها به ثروتی که پزشک‌ها به دست می‌آورند فکر می‌کنند اما با سیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان پزشکی روبه‌رو هستیم که در آینده جایگاهی در بازار کار ندارند. این تفکر اشتباه است، زیرا امروز مهارت‌آموزی در کشور ایران صرفا یک انتخاب نیست، بلکه یک الزام است. تمایل بی‌رویه به رشته‌های تجربی برای پزشک‌شدن به این دلیل است که در تصور عامه، پزشک‌ها از وضعیت اقتصادی و درآمدی خوبی برخوردارند، اما دلیل این تصور این است که صداوسیما و اصحاب رسانه و... تبلیغ‌های بسیار مثبتی روی فعالیت پزشکان داشته و هیچ‌گاه برای یک کارآفرین مهندس که توانسته در شکوفایی اقتصادی موفق باشد را نشان نمی‌دهد. ما باید قبل از همه اینها فرهنگ کار و مهارت‌آموزی را در جامعه جا بیندازیم و مردم متوجه شوند که دولت دیگر میزی ندارد تا به مردم بدهد و حتی بسیاری از بیمارستان‌های دولتی در حال واگذاری به بخش خصوصی‌اند و آن‌قدر رابطه عرضه و تقاضا متعادل می‌شود که نیازمند این تعداد بالای پزشک نیستیم.

وی این تصور که مراکز فنی و حرفه‌ای تجهیزات ندارند را غلط می‌داند و می‌گوید: ما در کنار آموزش‌وپرورش سازمانی داریم با عنوان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. این سازمان دارای استانداردهای به‌روز و بین‌المللی است. تجهیزات این سازمان باید به‌روز شود وگرنه در غیر این‌صورت استانداردی که دارند فاقد اعتبار می‌شود و مردم می‌توانند به صورت رایگان از مهارت‌های مورد آموزش این مراکز استفاده کنند. هنرستان‌های ما اگر تجهیزات مطلوبی ندارند، اما تجهیزات کافی دارند و این‌گونه نیست که این تجهیزات در حد پایینی باشند. این هنرستان‌ها برای دولت هزینه‌های بالایی دارند، اما در سال اقتصاد مقاومتی با روشی که آموزش‌وپرورش با برون‌سپاری انجام داد، هزینه‌ای بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیارد ریال صرفه‌جویی شد.

راه‌حل آشتی بخش خصوصی و فنی و حرفه‌ای‌ها

وی ادامه می‌دهد: برون‌سپاری یعنی وقتی آموزش‌وپرورش می‌بیند نمی‌تواند در جایی هنرستان احداث کند و هزینه دارد، بخش خصوصی را می‌آورد و می‌گوید ما آمایش منطقه‌ای انجام داده‌ایم و در این منطقه می‌خواهیم به مدت یک‌سال رشته خاصی را آموزش دهیم. سال آینده تنوع رشته‌ای ایجاد کرده و رشته دیگری می‌آورد. اگر اقلیمی کشاورزی است رشته‌های کشاورزی را جا می‌اندازد و در اقلیم دیگری ممکن است پرورش اسب جای کار داشته باشد.

پرورش برای آشتی بخش خصوصی با آموزش فنی و حرفه‌ای در مدارس یک راه‌حل میانبر پیشنهاد می‌کند. وی می‌گوید: باید ارتباط تنگاتنگی میان آموزش‌های رسمی آموزش‌وپرورش و آموزش‌های غیررسمی آموزش‌وپرورش که متولی آن سازمان فنی و حرفه‌ای کشور است برقرار شود. در ضلع دیگر نیز صنایع کوچک و بزرگ و شهرک‌های صنعتی و شرکت‌هایی که در کشور نیازمند نیروی انسانی مورد نیاز هستند به‌هم پیوند بخورند. باید از تکنولوژی روز و سامانه‌های مجازی استفاده شود تا مشخص شود در کدام استان فرد مهارت‌آموخته منتظر اشتغال است و بتوان این افراد را جذب کرد.

شرایط دشوار ادامه تحصیل کودکان پناهنده افغان

شهرام جمالی
عضو کانون صنفی معلمان

بر اساس آخرین آمار رسمی منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران، حدود یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار مهاجر افغانستانی در ایران زندگی می‌کنند که این تعداد حدود ۹۹ درصد کل مهاجران واردشده به کشور را تشکیل می‌دهند. هرچند آمارهای غیررسمی تعداد مهاجران افغان را بسیار بیشتر و گاه تا دوبرابر این اعداد و ارقام برآورد کرده است.

براساس همین آمار، حدود نیمی از اتباع افغانستانی «اتباع قانونی» (دارای مدارک هویتی و اقامتی معتبر) و بقیه «اَتباعِ غیرمجاز» به‌شمار می‌آیند. همچنین حدود ۹۹ درصدِ دانش‌آموزان اتباع غیرایرانی را کودکان افغان تشکیل می‌دهند که تعداد آنها بر اساس آمار اعلام‌شده وزارت آموزش‌وپرورش، حدود ۴۰۰ هزار نفر است.

علاوه بر خانواده‌هایی که تحصیل را به‌ویژه برای دختران، امری ضروری نمی‌دانند و خودخواسته کودکانشان را از آموزش مدرسه‌ای کنار می‌گذارند، عوامل مهم دیگری نیز که عمدتا متوجه جامعه و سیستم آموزشی است، سبب شده تا تحصیل کودکان افغان در کشور همواره یکی از مسائل چالش‌برانگیزی باشد که در سال‌های گذشته با موانع و دشواری‌های بسیاری مواجه بوده و هست؛ در این یادداشت سعی می‌شود به بعضی از این عوامل اشاره شود.

عدم توانایی والدین در پرداخت هزینه‌های تحصیل

والدین این کودکان اغلب قادر به پرداخت هزینه‌های تحصیل فرزندانشان نیستند. هزینه‌های تحصیل نیز عمدتا مبالغی است که از طرف مدرسه مطالبه می‌شود و این عامل شاید مهم‌ترین مانع ادامه تحصیل این کودکان باشد. مسئولان آموزش‌وپرورش بارها تأکید کرده‌اند که تحصیل فرزندان اتباع بیگانه در مدارس دولتی رایگان است؛ ولی واقعیت این است که تحصیل کودکان افغان در مدارس دولتی همان‌قدر رایگان است که تحصیل کودکان ایرانی در این مدارس رایگان است! چراکه از آنها نیز همانند سایر دانش‌آموزان و به عناوین مختلف؛ از ثبت‌نام و پرداخت شهریه گرفته تا خودیاری! مبالغ متعددی درخواست و دریافت می‌شود.

از سوی دیگر به دلیل شرایط بد اقتصادی در بیشتر این خانواده‌ها، بخش بزرگی از این کودکان، مجبور به کار اجباری هستند و ساعات کارشان با ساعت‌های مدرسه هماهنگ نیست.

نداشتن مدارک هویتی و اقامتی معتبر

مشکل دیگر، ممنوعیت ثبت‌نام کودکان اتباع غیرمجاز است که به دلیل شرایط والدین خود، عموما از اوراق هویتی و اقامتی معتبر برخوردار نیستند؛ هرچند این مشکل از سال گذشته و از طریق صدور «کارت ویژه حمایت تحصیلی» برای این دسته از اتباع، تا حدودی حل شده است؛ اما باز هم وجود موانعی در صدور کارت ویژه حمایت تحصیلی، فرایند صدور آن را مانند صدور سایر مدارک هویتی به پروسه‌ای وقت‌گیر و خسته‌کننده برای این دسته از اتباع تبدیل کرده است که صدور اولیه آن مشتمل بر طی مراحلی مانند آزمایشات پزشکی و... است که حدود دو ماه طول می‌کشد و همین مسئله موجب می‌شود تا برخی اتباع از پیگیری‌های بعدی، منصرف شوند. از سوی دیگر، کارت ویژه‌های صادرشده همانند سایر مدارک اقامتی، تاریخ انقضا دارند و آنهایی که از سال قبل صادر شده‌اند فاقد اعتبارند. بنابراین والدین این کودکان باید هرساله برای ثبت‌نام فرزندانشان در پایه تحصیلی جدید، کارت ویژه‌های آنها را تمدید کنند. همچنین کارت ویژه حمایت تحصیلی هر فرد فقط در محدوده همان منطقه محل صدور، معتبر بوده و دارندگان آن صرفا مجاز به ثبت‌نام در همان محدوده هستند.

نبود فرصت‌های برابر در انتخاب رشته تحصیلی

بر اساس ماده ۲ بند «ج» شیوه‌نامه مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور آموزش‌وپرورش، ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجی در هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کارو دانش با رعایت سهمیه پنج تا ۲۰ درصدی و آن‌هم فقط در «رشته‌های خاص» مجاز دانسته شده است. توجیه اصلی چنین تصمیمی، بر اساس گفته‌های معاونت پیشین این مرکز، حفظ موقعیت شغلی برای ایرانیان از طریق کنترل بازار کار تحصیل‌کرده‌های ایرانی بوده است. هرچند پیش‌تر نیز پذیرش اتباع غیرایرانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و در رشته‌هایی که منجر به ایجاد «تعهدات استخدامی» برای کشور شود، ممنوع اعلام شده بود؛ اما محروم‌کردن کودکان از تحصیل و ایجاد ممنوعیت و محدودیت‌های تحصیلی برای آنان، به هر بهانه و با هر توجیهی که اجرا شود، سیاستی نسنجیده و نادرست و در مغایرت آشکار با عدالت آموزشی کودکان است. از سوی دیگر اسکان و اقامت افغان‌ها در حدود نیمی از استان‌های کشور به‌طورکلی ممنوع است و در استان‌های دیگر نیز سکونت آنها فقط در بخش‌های محدودی مجاز است که این مسئله نیز مانعی اساسی در دستیابی به عدالت آموزشی است، چراکه بعضا همان معدود رشته‌های تحصیلی فنی و حرفه‌ای نیز در بسیاری از این مناطق وجود ندارند.

بهانه‌های مدیران مدارس برای عدم ثبت‌نام

عواملی نیز هستند که سبب می‌شوند کودکان افغان اولین گروهی باشند که مدیران مدارس، به‌راحتی و به بهانه‌های مختلفی مثل کمبود جا و... به درخواست ثبت‌نام آنها «نه» می‌گویند؛ یکی از این عوامل، ذهنیت منفی به‌جامانده از سال‌های پیشین است که حضور مهاجران و خصوصا افغان‌ها در کشور را در تضاد با مقوله امنیت اجتماعی ارزیابی می‌کند. همچنین گروهی دیگر از این کودکان، به دلایل مختلف از جمله زندگی و کار در شرایط دشوار، ظاهر سنی‌شان با تحصیل در دوره ابتدایی هم‌خوانی ندارد و در نتیجه حذف می‌شوند.

یادداشت

کیفیت آموزش پیش از دبستان بر رشد کودکان

رمضان عبدالحسینی*

امروزه اکثریت قریب‌به‌اتفاق متخصصان تربیتی بر اهمیت آموزش‌های دوره پیش‌دبستان در ارتقای جنبه‌های مختلف رشد کودک تاکید دارند. این اتفاق‌نظر حاصل پژوهش‌های طولی بسیار مهم بر روند رشد کودکانی است که در آموزش‌های باکیفیت دوره پیش از دبستان شرکت داشته‌اند. منظور آموزش‌هایی است که خاستگاه نظریات معتبر تربیتی، ابعاد و ویژگی‌های مختلف رشدی کودک و اسناد بالادستی آموزش‌وپرورش همچون سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش است که بر اساس برنامه درسی و عناصر آن در چنین آموزش‌هایی حول محور نیازهای فعلی و آتی کودکان طراحی می‌شود و هدف اصلی آن ارتقای حداکثری جنبه‌های مختلف رشدی کودک؛ یعنی رشد بدنی، شناختی، عاطفی- اجتماعی، سلامت، رشد و هنری و زبان و سواد متناسب با ویژگی‌های فردی هر کودک است.

برخی از پروژه‌های پژوهشی طولی گاه تا سنین کهن‌سالی، رشد و موفقیت‌های بعدی این افراد در زندگی را رصد کرده‌اند. در نوشتار حاضر مقصود آن است که با ارائه نتایج چنین پژوهش‌هایی بر اهمیت سرمایه‌گذاری بر این دوره تأکید شود.

بر اساس نتایج پژوهش‌های طولی معتبر در حوزه آموزش پیش از دبستان، افرادی که تحت این آموزش‌ها قرار داشته‌اند در مراحل بعدی زندگی به طور معناداری پیشرفت تحصیلی بیشتر، موفقیت تحصیلی در دوره دبیرستان، ورود بیشتر به آموزش‌عالی و استفاده کمتری از خدمات اجتماعی عمومی داشته‌اند. آنها هنجارهای جامعه را پذیرفته‌اند و بر اساس منطق و آگاهانه نسبت به افراد فاقد این آموزش‌ها تخلف کمتری داشته‌اند. همچنین افرادی که آموزش‌های پیش از دبستان باکیفیت را دریافت کرده‌اند، در شاخص‌های زیر وضعیت بسیار مطلوب‌تری نسبت به افراد فاقد این آموزش‌ها دارند: نمرات بالا در تست‌های رشد ذهنی، شناخت عمومی، مقیاس زبانی، عملکرد ادراکی، مقیاس کیفیت، مقیاس حافظه و هوش، مردودی در یک پایه دبستان، نمرات تست‌خواندن و ریاضیات در دبستان، نمرات هوش در متوسطه، تکرار پایه در متوسطه، درصد ورود به آموزش عالی، درصد استفاده از سیگار و مواد مخدر و نمره‌مقیاس سلامت در بزرگ‌سالی.

علاوه بر مزیت‌های فردی و اجتماعی آموزش‌های باکیفیت قبل از دبستان، تحقیقاتی نیز روی میزان هزینه- فایده این آموزش‌ها انجام و این‌گونه نتیجه‌گیری شده است که هر واحد هزینه برای آموزش باکیفیت پیش از دبستان، هفت‌برابر بازدهی بعدی برای جامعه در پی خواهد داشت.

بنابراین نگارنده معتقد است از نگاه سیستمی و فرایندی اکنون آموزش پیش از دبستان در ایران بیشتر از هر زمان دیگری نیازمند توجه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران حوزه آموزش است. لازم است آموزش پیش از دبستان، هم در بخش سیاست‌گذاری و هم در بخش اجرا مورد توجه خاص قرار گیرد و این روند منجر به تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های باکیفیت آموزشی در این حوزه شود. بی‌شک در این فرایند توجه به نتایج علمی و پژوهشی معتبر بسیار مهم و اثرگذار خواهد بود.

* معاون مدیرکل دفتر آموزش و پرورش پیش‌دبستانی

نگاه

آموزش پیش‌دبستانی، بایدها و نبایدها

عثمان رفاعی
آموزگار

آموزش در اوایل دوران کودکی، نقشی مهم در زندگی کودکان ایفا می‌کند. به‌همین‌دلیل است که در سراسر جهان توجه زیادی به این امر معطوف می‌شود (اوسانیان، ۲۰۰۲). این سال‌ها مهم‌ترین سال‌های زندگی فرد هستند، زیرا بنیان رشد شخصیت وی در این دوره طرح‌ریزی می‌شود. اهمیت این موضوع به‌گونه‌ای بوده که باعث برگزاری کنوانسیون‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی شده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۹۰، کنفرانس جهانی آموزش برای همه در سال ۱۹۹۰ در جامتین و ۱۹۹۳ در دهلی‌نو و کنفرانس بین‌المللی مساعدت به کودکان آفریقا اشاره کرد.

توسعه آموزش‌وپرورش در کشورهایی که دارای چند زبان محاوره‌ای و نوشتاری هستند، به‌ویژه در زمانی که کشور امکانات مالی را برای سرمایه‌گذاری به منظور به‌کارگیری چند زبان آموزشی ندارد، با مشکلاتی روبه‌رو است؛ مثلا کشور هندوستان که دارای هزارو ۶۵۲ گویش و ۲۰۰ زبان است، اگر بخواهد برای این تعداد زبان و گویش فرایند فرادهی و فراگیری را استوار کند، باید کتاب و مواد درسی را با زبان‌های متعدد به رشته تحریر درآورد. همچنین مراکز تربیت معلم برای آموزش معلم دایر کند که بسیار هزینه‌بر است و از طرفی اگر قادر به اجرای آن نباشد، بدون‌شک در توسعه و سازماندهی آموزش‌وپرورش؛ هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی دچار مشکل خواهد شد.

اما در کشور ایران، تنوع زبان نه آنچنان زیاد است و نه به‌لحاظ مالی آنچنان با کمبود منبع مالی مواجه است که توانایی اجرای آن را نداشته باشد. بی‌شک با یک برنامه‌ریزی مدون و با استفاده از ظرفیت‌های موجود، به آن هدف که همانا آموزش به زبان مادری حداقل (تا پایان ابتدایی) است خواهیم رسید.

با وجود آنچه در قانون اساسی حق آموزش به زبان مادری برای دانش‌آموزان مناطق دوزبانه به‌صراحت بیان شده است، آنچه دولتمردان و برنامه‌ریزان آموزشی را در به اجرا درنیاوردن آن مردد کرده، به‌خطرافتادن تفاهم همگانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحکیم وحدت ملی است و این تفاهم تحقق نمی‌یابد مگر با زبانی مشترک و با سازماندهی چند زبان آموزشی برای افراد ملتی که به چند زبان تکلم می‌کنند.

صاحب‌نظران بر این باورند که آموزش یک یا دو سال قبل از دبستان در توسعه خزانه لغوی کودکان، ایجاد مفاهیم اساسی و قدرت بیان بسیار مؤثر است و کسب مهارت‌های مختلف از قبیل فصاحت نسبی در کلام و استعمال سریع مجموعه وسیعی از لغات این کودکان را به هنگام ورود به مدارس ابتدایی نسبت به هم‌کلاسی‌هایشان که از این مزیت برخوردار نبوده‌اند متمایز می‌کند و این امتیاز تا آخر سال‌های تحصیل حفظ خواهد شد.

همچنین از جمله دلایلی که از سوی دولت‌ها در تأکید آموزش‌وپرورش پیش از دبستان ابراز شده، تمایل آنها برای کمک به مادرانی است که مجبور به کارکردن در خارج از منزلند و مشارکت آنها در امر تولید و خدمات حرفه‌ای در جهت بالندگی اقتصادی کشور به اثبات رسیده است.

مهم‌ترین چالش پیش‌روی مهدکودک و کودکستان‌ها در ایران، نبودن متولی واحد در این زمینه است. هم‌اکنون در کشور ما علاوه‌بر آموزش‌وپرورش از طریق نهادها و مؤسسات دیگری همچون بهزیستی، بسیج و شهرداری‌ها خدمات‌رسانی به کودکان زیر شش سال صورت می‌گیرد و گاها دوگانگی یا موازی‌کاری‌هایی نیز وجود دارد. در کشور ما طبق قانون و اسناد موجود چهار تا شش سالگی را دوران پیش‌دبستانی تعریف کرده‌اند و چون اجباری نیست، الزامی برای حضور تمام نوآموزان در این گروه سنی وجود ندارد. با توجه به اینکه این دوره سنی یک دوره طلایی در زندگی است، بنابراین نباید فرصت را از دست بدهیم و برای آموزش این گروه سنی باید تدابیری اندیشید. اگر در این مرحله درست سرمایه‌گذاری شود، در مراحل بعد با صرف انرژی کمتر بازدهی بیشتری خواهیم یافت و اگر فرصت از دست برود جبران آن در سال‌های بعد پرهزینه‌تر و دشوارتر خواهد بود. بنابراین باید مراکز تخصصی آموزش پیش‌دبستانی وجود داشته باشند و این دوره، رسمی تلقی شود. لازم است بچه‌ها از چهارسالگی به‌بعد، با رویکردهایی که نظام کلان کشور تبیین می‌کند تحت حمایت برنامه‌های دوره رسمی قرار بگیرند و این در مناطق دوزبانه ارزش مضاعف پیدا خواهد کرد.

در سند چشم‌انداز و نقشه جامع علمی کشور که به‌عنوان سند بالادستی علمی و آموزشی کشور تلقی می‌شود، بر پرورش خلاقیت و روحیه پرسشگری از سنین پایین تأکید شده است. همچنین دهمین راهبرد کلان سند تحول بنیادین به‌روشنی تأکید کرده که دوره پیش‌دبستانی حاکمیتی است و وزارت آموزش‌وپرورش مسئولیت آن را برعهده دارد. راهکار ۵-۱ سند تحول نیز به‌روشنی به تبیین آن پرداخته و تعمیم دوره پیش‌دبستان به‌ویژه در مناطق محروم را مورد تأکید قرار داده است.

اما در کشور ما، ایران، با تکثر قومی و زبانی دست‌کم در ۹ استان کشور، برای کودکان دوزبانه در سنین قبل از دبستان چه اقداماتی صورت گرفته است و کودکستان‌ها و مهدکودک‌ها چه نقشی ایفا کرده‌اند؟ دولتمردان و برنامه‌ریزان آموزشی بر این باورند که برای جبران خلأ و مشکلات ناشی از دوزبانه‌بودن دانش‌آموزان مناطق دوزبانه، دایرکردن مراکز پیش‌دبستانی برای کودکان زیر شش سال است. با این شرایط سؤال این است که:

آیا سازوکار لازم و امکانات زیربنایی در برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت، تأمین بودجه و امکانات مالی، فضای آموزشی، تربیت مربی متخصص و آشنا با مسائل روان‌شناسی و تعلیم و تربیت و... مهیاست تا خانواده‌ها بدون دغدغه فرزندان خود را به مهدکودک‌ها و کودکستان‌ها بفرستند؟ آیا آموزش قبل از دبستان که کارشناسان آموزشی آن را به‌عنوان تنها راه همسان‌سازی کودکان مناطق دوزبانه با سایر کودکان مناطق تک‌زبانه می‌دانند، به آن صورتی که لازم است فعالیت می‌کنند و از امکانات لازم برخوردارند؟

به امید روزی که تمام کودکان این سرزمین حتی در دورافتاده‌ترین روستاها از امکانات آموزشی درست و استاندارد بهره‌مند شوند و عدالت آموزشی بر تمام کودکان سایه بیفکند.